

رای دادن به چه شیوه، نیاز جامعه شهری را تأمین می کند؟

لیست مقدم بر فرد، فرد مقدم بر لیست



عکس: بهمن حسینی

غیرمتخصصان در شوراها مواجه شدند، فضای عمومی جامعه در تقابل با اعضای شوراها (بیشتر منظور کلان‌شهر تهران است که بحث به دیگر نقاط کشور سرایت کرد) شکل گرفت. نگاهی به محتوای تولیدشده در فضای مجازی و اظهارنظر شخصیت‌های فرهنگی و هنری در فلان هنرپیشه، جایش در شورای شهر نیست در این زمینه بگموگوهایی که بسین یکی از هنرمندان سرشناس (رضا کیانیان) با چهرهای ورزشی مانند عباس جدیدی در گرفت، بخشی از افکار عمومی را به این مسأله سوق داد. حالا به نظر می‌رسد، هنوز تکلیف جامعه با این که به چه ترتیب در شوراها رای دهد، مشخص نیست، اما اندازوم زمانی که بحث انتخابات شوراها داغ شد و آن یک‌هفته که فرصت تبلیغات است، آغاز شود، دوباره این موضوعات مطرح خواهد شد و خود را به‌عنوان یک اولویت نشان خواهد داد. با این حال، شاید نظر کارشناسانی که سال‌ها در این‌وادی تنفس کرده‌اند نتوانند راهی را پیش پای مردم قرار دهد تا بتوان نتیجه گرفت لیست مقدم بر فرد است یا فرد مقدم بر لیست.

دخالت می‌کردند و سیاست‌گذاری بومی مناطق خود را برعهده می‌گرفتند. دوره اول به‌ویژه در تهران، کار به جایی رسید که در اثر فشارهای بیرونی راهی جز انحلال شورا باقی نماند. در انتخابات شورای شهر به‌ویژه در تهران (که امکان رای‌آوری نامزدهای انفرادی کم است) در دور نخست اصلاح‌طلبان، در دور دوم لیست اصولگرایان (غیر از شییبانی) در دور سوم و چهارم بخشی از لیست اصولگرا و بخشی از لیست اصلاح‌طلبان وارد شورای شهر شدند. در دیگر مناطق کشور هم تقریباً این ترکیب از لیست‌ها وجود داشت و با کمی اختلاف همین نتایج به دست آمد.

چه باید کرد؟

مردم حالا پس از حادثه پلاسکو در این دوراهی هستند که به چه ترتیبی باید رای دهند، آیا باید به لیست‌ها رای دهند یا به افراد؟ این موضوعی است که حتی اگر عنوان شود (به دلیل در سایه قرار گرفتن انتخابات شوراها) خیلی در جامعه رواج کلی نگرفته، باید تأیید کرد که موضوع مردم در هنگامه انتخابات است.

در زمان حادثه پلاسکو شاید به این دلیل که عموماً مردم با بحث عضویت متخصصان یا

شورای شهر: لیست‌ها رای می‌آورد
در این مجال قرار بر این نیست که درباره تاریخچه انتخابات بحث شود، موضوع اصلی که در این فرصت دربار آن به بحث خواهد بود، پرداخت این است که رای به «لیست یا فرد» کدام‌یک می‌تواند نیاز مردم را تأمین کند و آیا اگر مردم به لیست رای بدهند می‌توانند خواسته‌های خود را پیگیری کنند؟
انتخابات شوراها، از نخستین دوره به بعد در زمانی به مرحله اجرایی رسید که تقریباً رای به لیست‌ها در کشور نهاده شده بود. در این زمان هر چند در شهرهای کوچکتر همیشه چهره‌های منفرد و گاهی دور از فضای حزبی به مجلس (یا مجلس خبرگان) راه پیدا می‌کردند، اما در همین هنگام حتی در همان شهرهای کوچک نیز بیشتر افرادی پای در انتخابات می‌گذاشتند که حمایت یکی از جناح‌های سیاسی را در عقبه خود داشتند.

انتخابات شوراها در نخستین دوره از زمانی شروع شد که رئیس دولت اصلاحات با شعار توسعه سیاسی، رای مردم را به خود جلب و جذب کرد. نقش شوراها که تا آن زمان برعهده وزارت کشور بود با قول رئیس دولت اصلاحات به افرادی محول شد که باید در اداره امور شهر

حمیدرضا عظیمی | انتخابات آن طور که در افواه عمومی، از آن یاد می‌شود یک مارتن است که در آن افراد برای ارایه خدماتی که گمان می‌کنند موردنیاز جامعه است، خود را عرضه کرده و به رقابت برمی‌خیزند. تاریخ جمهوری اسلامی در این موضوع بی‌هیچ تردیدی، صرف‌نظر از نقدهایی که در دوره‌های مختلف (که طبیعی است) بر نحوه اجرای آن بوده و هست، درخشان است و تا زمانی به‌طور متوسط در هر سال یک انتخابات در حوزه سرزمینی کشور برگزار می‌شد و همین تعدد برگزاری و هزینه‌های بالای آن، تصمیم‌گیران کشور را به این صرافت انداخت که طرحی به نام تجمع انتخابات را تصویب و اجرا کنند.

از آن زمان به بعد تصمیم این شد تا انتخاباتی که از نظر زمانی به هم نزدیک هستند به یکبار و با هم برگزار شوند تا به‌عنوان یک اولویت، هزینه‌های اجرای انتخابات که از بودجه و خزانه کشور تأمین می‌شود، کاهش پیدا کند. به همین دلیل است که در چند دوره گذشته، انتخابات ریاست‌جمهوری و شوراها در یک زمان و انتخابات مجلس خبرگان رهبری و مجلس شورای اسلامی هم هم‌زمان برگزار می‌شود.

لیست‌ها به میدان آمدند

انتخابات ایران، نقطه درخشان در کشور است. این را منهای انتقادات بر نحوه اجرا باید گفت، به این دلیل که همواره در مقاطع مختلف این نقد وجود داشته که عده‌ای می‌گفتند موضوعاتی در شیوه اجرای انتخابات ایران هست که برای برخی از افراد که تمایل به حضور در انتخابات دارند، محدودیت به وجود می‌آورد و از قضا این افراد آدم‌هایی هستند که می‌توانند موثر بر بدنه اجتماعی بوده و سرمایه‌های اجتماعی نظام سیاسی را تقویت کنند. صرف‌نظر از این بحث‌ها که به موضوعات اجرایی انتخابات بازمی‌گردد، بخشی هم به شرکت‌کنندگان و حاضران در رقابت‌های انتخاباتی بازمی‌گردد. در جمهوری اسلامی مطابق آنچه همه از آن اطلاع دارند، نخستین انتخابات یک‌همه‌پرسی بود. همه‌پرسی «آری یا نه» به جمهوری اسلامی ایران که توسط دولت موقت برگزار شد. در این انتخابات افراد حضور نداشتند، بلکه قرار بود مردم برای انتخاب نظام سیاسی ایران به برگزاری نخستین انتخابات مجلس که در آن آغاز «مجلس شورای ملی» که خوانده می‌شد، پای

لیست‌ها به انتخابات باز شد، البته عنوان مجلس شورای اسلامی پیشنهادی است که در همان ابتدای شروع به کار مجلس نام «مجلس شورای اسلامی» انتخاب شد و در بازنگری قانون اساسی سال ۱۳۶۸ هم رسماً وارد قانون اساسی شد.

نگاه

تجربه نشان داده مردم بهترین شیوه را برمی‌گزینند

وجود داشته باشد. در این میان، به دلیل ضرباتی که سیاسیون خاصه زنان بعد از ورود به این عرصه می‌خورند، بسیاری از خانم‌ها تا همین چندسال پیش خودشان شوق و ذوق زیادی برای ورود به این عرصه نشان نمی‌دادند و به این موضوع فکر می‌کردند که بهتر است خدمات خودشان را به جامعه و مردم از طرق مختلف فرهنگی، هنری، علمی و اجتماعی ارایه دهند. جامعه زنان در چنین فضایی، آمادگی تحمل کردن ضرباتی که به واسطه حضورشان در عرصه سیاسی ممکن بود متحمل شوند را نداشتند. در تجربه انتخابات مجلس در سال ۹۴، ما در جمعیت زنان مسلمان، با لابی‌های گسترده‌ای که با خانم‌های متخصص و مدیر و صاحب‌درک اجتماعی-سیاسی داشتیم در بیه عرصه آوردن‌شان نقش ایفا کردیم و خوشبختانه آنها هم به‌طور گسترده‌ای آمدند و ثبت نام کردند. منتها متأسفانه از آن طرف شاهد رد صلاحیت مضاعف زنان بودیم و عرصه برای حضور بیشتر آنها مهیا نشد طوری که آمارها نشان می‌داد حدود ۶۵درصد زانی که برای کاندیدا شدن در انتخابات مجلس ثبت نام کرده بودند، درصلاحیت شدند. با این وجود به قدری آگاهی و شعور اجتماعی در زنان ما بالاست که بدون آن که از این وضع خیم به ابرو بیاورند، صحنه را ترک نکنند یا ناامید شوند انگیزه بسیار بیشتری پیدا کردند که تا آخر راه روند. تمام آنهایی که آمدند و به صورتی که توضیح دادم مورد ظلم واقع شدند با عزم بسیار راستی در عرصه ماندند تا زمانی که تأیید صلاحیت شدند را تشویق کنند تا حتما در لیست‌های ارایه شده حضور داشته باشند. خوشبختانه توانستیم با وجود وضعی که متأسفانه برایمان در صلاحیت‌ها پیش آوردند، در انتخابات مجلس رکوردشکنی کنیم.

به همین دلیل بحث این است که جناح‌ها، گروه‌ها و افرادی که لیست‌های انتخاباتی را می‌پندند باید به جمعیت زنان توجه داشته باشند و در لیست‌های انتخاباتی، زمینه حضور آنها را فراهم کنند. زمینه حضور زنان با مدیریت و آگاهی که تعدادشان هم کم نیست. مابقی کار در دست مردم است که تجربه نشان داده، آنها کارشان را بلدند.

در پیج‌های بیرون

با نظام‌های انتخاباتی بیشتر آشنا شویم؟

می‌شود. طبیعی است که تحقق چنین شیوه‌ای در جامعه‌ای که دربرگیرنده مجموعه فراوانی از رای‌دهندگان عادی و غیرحرفه‌ای است، در عمل ناممکن است و تک‌رار چندین‌باره انتخابات علاوه بر هزینه‌های سنگین، موجب طولانی‌شدن بیش از حد زمان انتخابات می‌شود.

نظام اکثریتی در حوزه‌های چند کرسی

در این نظام انتخاباتی در هر حوزه انتخابی چندین کرسی به رقابت گذاشته می‌شود. در نتیجه برخلاف حوزه‌های تک‌کرسی، این حوزه‌ها به اندازه‌ای گسترده است که در هر حوزه چندین نفر به‌عنوان نماینده برگزیده خواهند شد. در این نظام، احزاب سیاسی، بازیگران اصلی صحنه انتخابات هستند و غالباً از طریق ارایه فهرست‌های از پیش تعیین شده به هم به رقابت می‌پردازند. در این نظام انتخاباتی، تعیین‌کنندگان اصلی نامزدها، احزاب سیاسی و در درجه نخست رؤسا و رهبران حزبی‌اند. این نظام فهرستی، به اشکال گوناگونی در مجامع مختلف به اجرا درمی‌آید که مهم‌ترین آنها به شرح زیر است:

۱- فهرست بسته

۲- فهرست باز

۳- فهرست‌های هم‌خانواده

فهرست بسته: در این روش، رای‌دهندگان از میان فهرست‌های مختلف، تنها حق انتخابی از آنها را همان‌گونه که هست، دارند و نمی‌توانند هیچ‌گونه دخل و تصرفی در فهرست‌ها به عمل آورند. در نظام فهرست بسته، رای‌دهندگان درحقیقت به احزاب سیاسی رای می‌دهند، نه به نامزدهای خاص. این نوع انتخابات موجب می‌شود احزاب سیاسی و به‌ویژه رهبران آنها کارگردان اصلی صحنه‌های سیاسی باشند.

فهرست باز: در این نوع روش، رای‌دهندگان از میان فهرست‌های مختلف، نامزدهای مورد نظر خود را انتخاب و به تنظیم فهرست مورد علاقه خود اقدام می‌کنند. در این حالت از میزان نفوذ احزاب سیاسی تا حدی کاسته می‌شود و افراد از آزادی عمل بیشتری برخوردارند.

فهرست‌های هم‌خانواده: در این نظام انتخاباتی، احزاب سیاسی و گروه‌هایی که فهرست‌هایی برای انتخابات معرفی کرده‌اند، باید قبل از برگزاری انتخابات، فهرست‌های هم‌خانواده خود را نیز مشخص کنند. در صورتی که در مرحله نخست، هیچ فهرستی اکثریت مطلق را احراز نکند، فهرست‌های هم‌خانواده را کنار هم گذارند و هم‌خانواده‌هایی که اکثریت را احراز کرده باشند، برنده انتخابات تلقی می‌شوند. سپس به تناسب آرای هر فهرست، کرسی‌های میان فهرست‌های هم‌خانواده توزیع می‌شود.



فاطمه رازی

عضو شورای شهر تهران

انتخابات در کشور ما از جمله مهم‌ترین شیوه‌هایی است که نیروهای کارآمد می‌توانند خودشان را برای مدیریت در کشور عرضه کنند و این مردم هستند که در بزنگاه‌هایی مانند انتخابات می‌توانند نیروهای مورد اعتماد خود را به سمت جایگاه‌های سیاست‌گذاری کشور (مجلس) و شهر (شورا) سوق دهند و آنها را به این مسئولیت‌ها بگمارند.

از منظر کلی شاید این سوال که امروز در انتخابات باید به لیست رای داد یا بسا به افراد، سوالی است که مردم خودشان آن را می‌دانند و تجربه هم نشان داده که آنها بهترین شیوه را برای به کارگماردن نیروهای متمم خود برمی‌گزینند. تجربه سال ۹۴ نشان داده که رفتار مردم در صورتی که به مجموعه‌ها اعتماد داشته باشند، چگونه است. اما موضوع مهمتر در این زمینه، بحث‌هایی غیر از شیوه حضور در انتخابات و نحوه انتخاب است. امروزه تقریباً تمامی اهل فن به این موضوع اشراف دارند که نیروی انسانی در توسعه کشورها حرف اول را می‌زند.

جامعه امروز ایران، به قاعده باید فرصتی فراهم کند تا بخش بیشتری از نیروهای انسانی که دست‌کم نیمی از جمعیت کشور را تشکیل می‌دهد، زمینه حضور در عرصه‌هایی مانند مجلس و شورای اسلامی را داشته باشد. جمعیت زنان کشور که طی سال‌های گذشته نشان داده‌اند توان ورود به عرصه‌های مختلف را دارند. زانی بسا درایت، فهم، اندیشمند، فربهخته، آگاه و متخصص سال‌هاست در رشته‌های مختلف دانشگاهی حرف اول را زده‌اند و بعد هم به‌عنوان افسران آموزش‌دیده و متخصص وارد عرصه کار شده‌اند و در عرصه‌های مدیریتی که به آنها برای حضور و نقش آفرینی فرصت داده شده درخشیده‌اند. جامعه ما به قدر کافی زانی را داشته که وارد عرصه سیاسی، اجتماعی و مدیریتی شوند.

اما ورود به این عرصه، شرایطی را می‌طلبد که آن‌سو در نزد زنان هم باید آمادگی‌هایی مناسب و بست‌های سیاسی تبدیل می‌کند. مهم‌ترین ابعاد میحت نظام‌های انتخاباتی عبارتند از فرمول انتخابی (نظام اکثریت یا اکثریت مطلق ونماینده‌گی تناسبی)، وزن عددی حوزه‌های انتخاباتی (شمار نمایندگان هر حوزه)، حدنصاب انتخاباتی (حداقل حمایتی که هر حزب یا کاندیدا باید برای کسب کرسی به دست آورد) و ساختار رای (مانند امکان رای‌دادن به بیش از یک حزب در انتخابات).

نظام انتخاباتی، مرحله آخر فرایند مشارکت در قدرت است، یعنی جایی که صحت‌اکت شمارش آرا و تقسیم کرسی‌هاست یا به تعریف ساده‌تر این‌که، چه کسی با چه میزان رای انتخاب می‌شود.

به‌طور کلی شیوه ثابت و فرمول خاصی برای گزینش یک نظام انتخاباتی مناسب مدنظر نظریه‌پردازان نیست، بلکه بسا توجه به عوامل موثر بر تشکیل یک نظام انتخاباتی و در شرایط خاصی، یک نظام انتخاباتی گزینش می‌شود و هر نظام می‌تواند نتایج خاص خود را در یک نظام حقوقی داشته باشد و لزوماً نتایج یکسانی در کشورهای مختلف به وجود نمی‌آید.

تقسیم‌بندی نظام‌های انتخاباتی

نظام‌های انتخاباتی را می‌توان در سه دسته کلی تقسیم‌بندی کرد:

۱- نظام انتخاباتی اکثریتی، تناسبی و مختلط.
۱- نظام انتخاباتی اکثریتی و گونه‌های مختلف‌ان:

این نظام از قدیمی‌ترین و متداول‌ترین شیوه‌های انتخاباتی است و براساس آن نخستین کسی که در مقایسه با دیگران آرای بیشتری را اخذ کند، پیروز انتخابات خواهد بود. بسیاری از کشورها با پذیرش اصل نظام انتخاباتی اکثریتی آن را به اجرا گذاشته‌اند، بنابراین ما شاهد نظام‌های انتخاباتی اکثریتی در انواع متعدد هستیم.

انتخابات اکثریتی ممکن است در یک مرحله صورت پذیرد و سرنوشت انتخابات در همان مرحله نخست تعیین شود، اما درصورتی که برای احراز کرسی‌های نماینده‌گی درصد خاصی از آرا (مثلاً ۵۰٪ یا بیشتر) شرط شود، انتخابات می‌تواند چندین بار تکرار شود تا درصدهای لازم آکتابا گردد.

انتخابات چندمرحله‌ای

در این نوع نظام، انتخابات آن‌قدر تکرار می‌شود تا منتخب نهایی از بالاترین درصد آرا بهره‌مند و از مشروعیت کافی برخوردار شود. بدین ترتیب انتخابات در چندین مرحله صورت می‌پذیرد و در هر نوبت، تعدادی از نامزدها حذف می‌شوند و انتخابات میان دارندگان بیشترین آرا تکرار می‌شود و در پایان، فردی که اکثریت قریب به اتفاق آرا را از آن خود می‌کند، برگزیده

در شهرهای بزرگ بهتر است به لیست رای دهیم



محل کارش بگیرد، بنابراین این هزینه جبران نخواهد شد، مگر این‌که فساد رخ دهد. در نتیجه بهترین راه این است که در شهرها بزرگ مردم لیست‌ها را لحاظ کنند و سعی داشته باشند افرادی در این میدان وارد گود می‌شوند که مثلاً هم لیست‌ها باید از افراد سالم و کارآمد، توانا و متخصص در زمینه‌های مختلف، تشکیل شده باشد و لیست‌بندها) باید بدانند که تصمیمات اشتباه می‌تواند هزینه‌های زیادی را بر کشور تحمیل کند، البته این موضوع در انتخابات مجلس هم مصداق دارد، اما در انتخابات ریاست‌جمهوری که قرار است به یک نفر رای داده شود، موضوع متفاوت است و آن‌جا باید به گروه‌های مرجع رجوع کرد.

گاهی اوقات لیست‌ها تجربه بدی در ذهن مردمی به وجود آورده‌اند، یعنی به لیستی در گذشته رای داده شده و بعد از انتخاب‌شدن افراد لیست، آنها اقداماتی انجام می‌دهند که مورد پسند مردم نیست و از رای‌دادن به آن لیست در اصل پشیمان می‌شوند. در این زمینه چه باید کرد؟
همان‌طور که گفتیم، این به بستن لیست توسط گروه‌ها، احزاب و... ربط دارد که در واقع آنها باید با شناخت، افراد را در لیست جای دهند. مردم به اعتماد گروه جناح یا حزبی به لیست رای می‌دهند و به همین دلیل مراقبت‌ها باید توسط افرادی انجام شود که در بستن لیست وظیفه‌ای را قبول کرده‌اند. گاهی اوقات دیده

شهروند | انتخابات شورای شهر از دورهای

که به‌عنوان نخستین دوره برگزار شد، در پی این بود تا گروهی از متخصصان را گرد هم آورد و به‌عنوان منتخبان مردم سیاست‌گذاری امور شهر و وسایط ابرعهده بگیرند. از همان آغاز در انتخابات شورای شهر رسم بر این بود که مردم به لیست‌هایی که از سوی جناح‌ها و گروه‌های سیاسی معرفی می‌شود، رای دهند. در این میانه گاهی هم افرادی به شورا راه پیدا کردند که برخلاف آن رویه‌ای که لیست موردنظر داشت، رفتار کردند. قصد در این مجال این نیست که به عملکردهای خارج از رویه افراد عضو لیست بپردازیم. قرار است اولویت رای‌دادن به لیست یا فرد را به مذاقه بنشینیم. قدری‌آبیانه، فعال سیاسی اصولگرا معتقد است در شهرهای کوچک

بهتر است روستاها که افراد یکدیگر را می‌شناسند و بیشتر به افراد رای داده‌شده، اما از نظر او امکان رای‌آوری و شناخت همه افرادی که قرار است عضو شورای شهر شوند، برای مردم وجود ندارد، بنابراین بهتر است در شهرهای بزرگ به لیست‌هایی که از سوی جناح‌ها و گروه‌های سیاسی معرفی می‌شود، رای دهند. در این میان به‌ویژه روستاها که افراد یکدیگر را می‌شناسند بهتر است به افراد رای داده‌شود، ولی در شهرهای بزرگ که امکان شناخت همه اعضا وجود ندارد، باید به لیست‌ها رای داده شود. اما این‌جا موضوع مهم‌تر این است که باید کسانی که لیست می‌دهند، آدم‌های متخصص و متعهد را انتخاب کنند، چون قرار است مثلاً در تهران این افراد شهری را مدیریت کنند که جمعیتش از هر کدام از همسایه‌های جنوبی ما بیشتر است یا اصلاً دقیق‌تر بگوییم جمعیت هر کدام از مناطق ۲۲گانه شهری تهران از هر کدام از کشورهای همسایه جنوبی بیشتر است.

دلیل دیگری هم برای این دقت نظر وجود دارد؟
بله! در این میان امکان سوءاستفاده فراوانی وجود دارد، به‌عنوان نمونه در سمت‌های شهرداری و شورای شهر همیشه امکان سوءاستفاده هست، به همین دلیل باید در بستن لیست دقت کرد، البته البته این موضوع مختص

تهران نیست، اما در کشور ما یکی از جاهایی که فساد به وجود می‌آید، همین شوراها شهر و شهرداری‌هاست، حتی در مرحله انتخابات یا قبل از آن در ثبت‌نام‌ها هم امکان فساد هست و افرادی در این میدان وارد گود می‌شوند که مثلاً می‌خواهند فلان مشکلی که در زمینه املاک دارند را حل کنند. برای همین است که گاهی در خبرهای می‌بینیم که افرادی در شورای شهر یا شهرداری‌ها دستگیر شده‌اند.

شما نظر تان را گفتید، اما از منظر جزئی‌تر نیاز جامعه با رای‌دادن به لیست برآورده می‌شود یا با رای‌دادن به افراد؟ این را به این دلیل می‌پرسم که ممکن است افراد متخصصی وجود داشته باشند که به صورت فردی وارد انتخابات شوند و امکان ورود به لیست‌ها نداشته باشند؟
این کمتر پیش می‌آید که در شهر بزرگی مثل تهران، مردم با افراد و تخصص‌های‌شان آشنا باشند. در شهرهای بزرگ اگر مردم به افراد خارج از لیست رای بدهند، آن افراد نمی‌توانند وارد شورا بشوند و در واقع رای‌شان می‌سوزد، بنابراین بهترین کار این است که به لیست رای بدهند، مگر این‌که فرد خیلی مشهور باشد و رزومه خوب و مشخصی هم نزد مردم داشته باشد، و گرنه فردی که شهرت نداشته باشد و بخواد خارج از لیست وارد انتخابات شود، باید هزینه گزافی کند تا او را بشناسند و آن هزینه گزاف چندین برابر حقوقی است که قرار با انتخاب‌شدنش از